

# شهرنشینی بی رویه

## و پیامدهای اجتماعی - فرهنگی آن

دکتر ستم صابری فر  
عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور



### مقدمه

موجود در سطوح شهرنشینی و میزان رشد در این دو سیستم بیانگر تفاوت‌های موجود در سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی است که ریشه در فرآیندهای تاریخی، فرهنگی و... دارد. در کشورهای غنی پر درآمد، ساختارهای شهری به روشنی تعریف شده‌اند. رشد جمعیت در حداقل است و روند مهاجرت بین شهری ناچیز می‌باشد. اما برای یک کشور در حال توسعه، این چشم‌انداز شهرها و این ارزیابی خوش بینانه گنج‌کننده است.

همانطور که بیان شد، زمین تا چند ده هزار سال پیش از هر نوع ترکیب ساختمانی که ساخته دست انسان باشد خالی بود. این سکونتگاهها به تدریج فشرده‌تر شدند، به صورت دهکده و پس از آن به صورت شهر درآمدند. از چند قرن گذشته به این سو، شهرها از هسته‌های سکونتی ساده انسان تبدیل به واحدهای بسیار پیچیده شدند. با وجود آنکه پیدایش شهر، تاریخی به نسبت طولانی دارد، اما شهرنشینی در سطح گسترده دارای تاریخی کمتر از ۲۰۰ سال است.

### فرآیندها و اشکال شهرنشینی

بر اساس برآوردهای انجام شده، میزان جمعیت شهرنشین که در سال

کره زمین در حال تبدیل شدن به دنیایی از شهرهاست. بطوری که قرن بیستم شاهد توسعه چشمگیر شهرها چه از لحاظ تعداد و چه از نظر وسعت بوده است (اسکورو، ۱۳۷۲). در ابتدای قرن نوزدهم حدود سه درصد از جمعیت دنیا در نواحی شهری زندگی می‌کردند. این تعداد در ابتدای قرن بیستم به حدود ۱۵ درصد و در اواخر قرن ۱۹ به حدود ۴۶ درصد رسید. در سال ۲۰۰۰ این مقدار به ۴۸/۲ درصد افزایش یافت. بررسیها و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۵ به ۶۲/۵ درصد خواهد رسید. بر این اساس در این سال قریب به دو سوم جمعیت دنیا در شهرها زندگی خواهند کرد. (Bradshaw, 1987)

نگاهی به روند رشد افزایش جمعیت کشورهای در حال توسعه بسیار نگران کننده‌تر از کل جهان می‌باشد. به عنوان مثال، در سال ۱۹۶۰ سهم این گونه کشورها از کلان شهر در جهان ۹ منطقه شهری بوده است. در حالی که این تعداد در سال ۲۰۰۰ به ۵۰ کلان شهر از مجموع ۶۶ مادر شهر رسیده است. (Lo, Fu-Chen 2001) این درحالی است که تفاوت‌های ماهوی بین عوامل بوجودآورنده شهرنشینی و پیامدهای آن در جهان سوم با کل جهان و بخصوص کشورهای توسعه یافته وجود دارد. (Roberts, 1978) تفاوت‌های

۲۰۰۰ حدود ۴۸/۲ درصد از کل جمعیت دنیا را به خود اختصاص داده بود، در سال ۲۰۱۰ به ۵۳/۸ و در سال ۲۰۲۵ به ۶۲/۵ درصد خواهد رسید. این درحالی است که ارقام فوق الذکر برای کشورهای درحال توسعه که پیش بینی مقادیر مورد نظر را به ترتیب ۸۱/۲ و ۸۵/۴ درصد نشان می‌دهد، از درصد جمعیت شهرنشین در کشورهای بسیار توسعه یافته بیشتر است. اما با توجه به چگونگی رشد و سوابق اقتصادی و اجتماعی این دو گروه چالشهای بسیار اساسی را در برابر دید دانشمندان قرار می‌دهد. بر سرسپهای انجام شده نشان می‌دهد که میزان شهرنشینی در فاصله زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ افزایش و از آن به بعد کاهش خواهد یافت. با توجه به سطح بسیار بالای شهرنشینی در کشورهای توسعه یافته در سال ۱۹۷۰، میزان شهرنشینی به صورت قابل ملاحظه‌ای پایین‌تر از میزان شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه بوده است.

مقایسه روند میزان شهرنشینی برای کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه در دنیا نشان می‌دهد که در مناطق درحال توسعه بدلیل میزان بالای رشد جمعیت، مناطق شهری، نقش بیشتری در روند افزایش کل جمعیت دارند. به عبارت دیگر با وجود درصد بالا و روند کلی، میزان افزایش روبه کاهش بوده است. به عبارت دیگر درست است که نسبت جمعیت شهرنشین در مناطق توسعه یافته در ۱۹۹۰، ۷۴/۲ درصد و در سال ۱۹۹۵ به ۷۶ درصد رسیده است. اما میزان رشد برای دوره ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ سالانه حدود ۴۸ درصد و همین مقدار برای دوره ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ حدود ۴۹ درصد و در دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ به حدود ۳۴ درصد خواهد رسید.

در عین حال بایستی توجه داشت که تغییر جهت در شهرنشینی از بزرگترین شهرها به شهرهای متوسط به معنی کاهش شهرنشینی نیست، بلکه به معنای تغییر در سلسله مراتب شهری در جهت رشد شهرهای کوچک و متوسط است که در واقع رسیدن به یک توازن در روند شهرنشینی محسوب می‌شود. بنابراین برای تجزیه و تحلیل فرآیند شهرنشینی باید علاوه بر سطح و میزان شهرنشینی، خصوصیت ساختار شهری مورد مطالعه قرار گیرد. (Tilly, 1974) در این حالت مشخص می‌گردد که سطوح شهرنشینی مشابه ساختارهای متفاوتی را خلق خواهد کرد. به عبارت دیگر در یک کشور ممکن است اغلب جمعیت شهرنشین در یک شهر جمع شود درحالی که در کشور دیگر این تعداد به طور متوازن بین شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک توزیع گردد. درست مانند روندهایی که در کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته، درحال وقوع می‌باشد. یعنی در کشورهای گروه اول جمعیت شهری عمدتاً از نظر مکانی در بزرگترین شهرها متمرکز شده و الگوی اولیه شهرنشینی را به نمایش می‌گذارد. (Gugler, 1998) در این حالت رشد جمعیت در کشورهای درحال توسعه فشار زیادی بر شهرهای معدودی می‌گذارد که درحال جذب افزایش جمعیت شهری می‌باشند. در نتیجه اگر نگرانی و چالشی مشاهده می‌شود مربوط به نحوه توزیع جمعیت شهری است. برای بررسی دقیقتر ساختار شهری می‌توان توزیع جمعیت در شهرهای بزرگ را مورد بررسی دقیقتر قرارداد. در سال ۱۹۷۰ تعداد شهرهای با جمعیت شهری ۴ میلیون و بالاتر ۲۳ شهر و در سال

۱۹۸۰، ۳۵ شهر بوده است. در این دوره سهم این گونه شهرها در سال ۲۰۲۵ به ۱۳۵ شهر و شامل ۲۵ درصد کل جمعیت شهری خواهد بود. در دوره مورد بررسی شهرهای ۱ تا ۴ میلیون نفری تقریباً ثابت و سهم شهرهای با جمعیت کمتر از یک میلیون نفر همچون دهه ۱۹۷۰ درحال کاهش خواهد بود.

مقایسه‌های انجام شده نشان می‌دهد که در مناطق توسعه یافته، نسبت کل جمعیت شهری در بزرگترین طبقه شهرها در طول دهه ۱۹۷۰ ثابت باقی مانده و بیش بیتی می‌شود در طول سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۵ بطور مدام کاهش پیدا کند. روندی که نشانگر بازگشت بسوی شهرهای بزرگ است. برعکس تجمع جمعیت در کشورهای توسعه یافته بیشتر به طرف شهرهایی است که در سلسله مراتب شهری در طبقات پایین‌تر قرار دارند. به طور کلی تفاوتی بنیادی فرایندهای شهرنشینی و شهری شدن جهان سوم و کشورهای سرمایه‌داری غرب را می‌توان چنین توصیف نمود: شهری شدن جهان سرمایه‌داری طی ۲۰۰ سال و در اکثر نقاط حداقل در مرحله آغازی با تأنی صورت گرفته است. اما در جهان سوم با شروع فرآیند شهری شدن، شبکه همگونی سستی شهری کاملاً تحت تأثیر قرار گرفته، چند شهر و در اکثر موارد فقط یک شهر با سرعتی چشمگیر رشد خود را آغاز کرده است و تمامی تحولات فضایی - مکانی کشور تحت تأثیر این شهر یا چند شهر محدود بوده است. این امر به پدیده بزرگ سری یا ماکروسفالی در شبکه شهری جهان سوم جان بخشیده و تمامی تحولات اقتصادی، جمعیتی و حتی سیاسی و اداری کشور را تحت الشعاع قرار داده است.

علاوه بر آن در جهان پیشرفته ترکیب سه عامل انقلاب سبز و یا تشدید استثمار دهقانان برای تولید سوداگرانه محصولات کشاورزی، غارت جهان سوم یا تحمیل غرامت جنگی و رونق سرمایه داری تجاری در راههای دور، انباشت اولیه لازم برای سرمایه گذاری صنعتی را فراهم آورده و صنعتی شدن با کندی با شروع از صنایع سبک و تبدیل تدریجی کارگاه به کارخانه صورت پذیرفت.

### ساختارهای شهری موجود

در سال ۱۹۷۰ نیمی از ۳۵ شهر بزرگ دنیا در کشورهای توسعه یافته قرار داشت، ولی افزایش جمعیت شهری در مناطق در حال توسعه وضعیت را به شدت متحول کرد و سهم کشورهای در حال توسعه را افزایش داد. در این مناطق حتی شهرهایی که میزان رشد نسبتاً پایینی دارند به دلیل آنکه جمعیت پایه آنها بسیار بالاست، تعداد جمعیت افزوده شده بر آن بسیار زیاد خواهد بود. به عبارت دیگر شهر ۴ میلیون نفری حتی اگر نصف میزان رشد کل جمعیت شهری را به خود اختصاص دهد، در طی حدود ۵ سال ۸۰۰ هزار نفر و در ۵ سال بعدی یک میلیون نفر بر جمعیت قبلی خود می‌افزاید. (Todaro, 1979) این درحالی است که در کشورهای توسعه یافته بزرگترین شهرها رشد نسبتاً پایینی داشته و در مواردی رشد منفی دارند.

### مؤلفه‌های رشد

در شرایط مساوی و در صورتی که هیچ گونه پیشگیری در رابطه با ازدیاد

طبیعی سبب پیدایش مشکلات مختلفی در شهرها می‌شود که معمولاً با آسیب‌های اجتماعی در شهرها همراه است. به همان نسبت که رشد شهرها و جمعیت شهرنشین تسریع شده است، شهرهای بزرگ جدید نیز از گوشه و کنار جهان سر برآورده‌اند و به همان نسبت، فقر، جنایت و آلودگیهای وحشتناک زیست محیطی افزایش یافته است.

به هر صورت، به دنبال رشد جمعیت و افزایش اشکال مختلف مهاجرت، تراکم جمعیت در نقاط مختلف شهری روبه افزایش است. همینطور، تسهیلات زیربنایی نظیر منابع آب، راهها، مسکن و نظیر آن تحت فشار و بهره‌برداری بیش از حد قرار می‌گیرد. تنها در صورت برنامه ریزی دقیق، به هنگام و متناسب می‌توان نیازهای اساسی شهرنشینان را پاسخ گفت. باید گفت که کم و کیف شهرها در عصر حاضر به شکل بی‌سابقه‌ای در حال تغییر است. یعنی، هم نیازهای شهری افزایش یافته است و هم تعداد شهرها روبه افزایش هستند که این وضعیت نیاز به برنامه ریزی مستمر شهری دارد. (شیخی، ۱۳۷۸)

در بررسی پدیده فوق، اکثر اندیشمندان شهری پدیده مهاجرت را بیش از سایر موارد مورد توجه قرار می‌دهند. به همین دلیل اعتقاد دارند که جمعیت مهاجر ناهماهنگیهای فرهنگی زیادی با جمعیت شهر داشته و علاوه بر آن شیوه زندگی روستایی، پایین بودن سطح سواد و تغییر ماهیت حرفه و زندگی حادث شده برای مهاجرین بسیاری از تفاوت‌های قبلی آنها را دچار دگرگونی شدید می‌نماید. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که معمولاً انحرافات اجتماعی از قبیل جنایت، خودکشی، اعتیاد و سرقت در نواحی خاصی از شهر صورت می‌گیرد. جایی که معمولاً تراکم جمعیت بالاتر و فقر بیشتر است. نواحی که جمعیت مهاجرنشین در سطح بالاتری بوده و به همین دلیل گوناگونی نژادی و فرهنگی در بالاترین سطح خود می‌باشد. در چنین نقاطی تحرک مکانی بیشتر و جنایت و فساد که نتیجه فقدان سازماندهی اجتماعی است چهره بارزتری دارد. (Lander, 1979)

در بررسیهای انجام شده در ایران مشخص شده است که مناطق مساعد برای توسعه اعتیاد و آلودگی به مواد مخدر آنهاست که اکثر ساکنین آنها مهاجرین هستند و شرایط اقتصادی نامطلوبی دارند. (ساداتی، ۱۳۶۰) در مطالعه‌ای دیگر مشخص شده است که جرایم مهاجرین بیش از ۲/۳ درصد کل جرایم بوده است. (آشوری، ۱۳۷۱) بررسیها نشان می‌دهد که تهران به دلیل تراکم جمعیت و مهاجرت وسیع افراد به این شهر بعد از سیستان و بلوچستان بالاترین سهم را در کشف مواد مخدر، تعداد معتادان و قاچاقچیان دارد. در سال ۱۳۶۲ تعدادین ۲۵/۵ درصد به سیستان و بلوچستان و ۱۸/۳ درصد به تهران اختصاص داشته است. میزان هروئین کشف شده در تهران در همین سال ۲۷/۴ درصد بوده است. (توسلی، ۱۳۷۱) بالاترین بیکاری، افزایش قیمتها و رقابت در تأمین نیازهای اساسی، مشاغل کاذب و... از جمله مشکلات دیگری است که به تبع افزایش جمعیت در شهرها حادث می‌شود. یکی از مسائل اساسی دیگر که نتیجه بلافضل رشد شهرنشین است، توسعه حاشیه‌ها و حاشیه‌نشین شهری است. حاشیه‌نشینان، ضمن اینکه از لحاظ اقتصادی در وضعیت کاملاً نامساعدی قرار دارند از برخوردهای

جمعیت صورت نگیرد، رشد طبیعی جمعیت در مناطق شهری بسیار بالاتر از روستاهاست. زیرا در مناطق شهری امکانات بهداشتی، درمانی و تغذیه‌ای به مراتب فراوانتر از روستاها می‌باشد. اگر چه این روند افزایش معمولاً به دلایل متعدد و از جمله مشغله افراد، سطح فرهنگ، سواد و غیره تا حد زیادی تحت کنترل درمی‌آید. در عین حال آنچه که از بررسیها و تحقیقات انجام شده برمی‌آید آن است که در سطوح متوسط شهرنشین، رشد جمعیت شهری در مرحله اول حاصل رشد طبیعی جمعیت است. ساختار سنی در این مرحله چنان است که افزایش جمعیت شهری بیش از جمعیت روستایی می‌باشد. در سطوح بالای شهرنشین، به دلیل این که از رشد طبیعی جمعیت کاسته می‌شود مهاجرت، بخش عمده رشد جمعیت شهری را تشکیل می‌دهد. و این امر در کشورهای توسعه یافته به وضوح قابل مشاهده است. در عین حال میزان رشد جمعیت شهری از طریق مهاجرت و افزایش طبیعی جمعیت برای کشورهای در حال توسعه بالاتر از کشورهای توسعه یافته است. (United nations, 1985)

بطور کلی مجموع افزایش طبیعی جمعیت و مهاجرت خالص سبب رشد سریع جمعیت شهری می‌شود، اما رشد سریع شهرنشین منجر به ثبات یا کاهش جمعیت روستایی در کشورهای در حال توسعه نشده و در بسیاری از کشورها جمعیت مطلق روستایی بیش از جمعیت مطلق شهری است. همین باعث می‌شود که همیشه سیل مهاجرت از روستاها به شهرها روان باشد. این روند را بی‌توجه به برنامه‌های عمرانی و اجتماعی روستاها و صرف هزینه‌های هنگفت زرق و برقهای شهری تشدید می‌نماید. در واقع این مسائل مشکلات جاری روستاها یعنی بیکاری، فقر، جرم و جنایت و غیره را به شهرها انتقال می‌دهد. این دور بسته صرف هزینه‌های بیشتر و بیشتر را در محیط‌های شهری ضروری ساخته و همچنان معضل موجود را پیچیده‌تر و نیز غیر قابل حل جلوه‌گر می‌نماید.

## آثار و پیامدهای شهرنشینان فزاینده

شهرنشینانی اگر چه باعث رفاه و راحتی انسانها می‌شود، گرفتاریهایی را نیز بدنبال دارد. از جمله مسئله درخطر افتادن بهداشت و سلامتی افراد است. افزایش جمعیت موجب بروز مسائلی همچون افزایش ترافیک، افزایش کارگاههای کوچک و بزرگ، افزایش حجم زباله و... می‌شود. این مسائل باعث ایجاد انواع آلودگیهای شهری مثل آلودگی هوا، آب و آلودگی صوتی می‌گردد.

علاوه بر مشکلات فوق به دلیل گسترش کمی و کیفی نقاط شهری، روابط اجتماعی افراد، روش زندگی آنها، ساختار شخصیتی و... شهرنشینان نیز تحت تأثیر قرار گرفته و به قول جامعه شناس شهری لوئیس ورت آنها دیگر کمتر در امور غیررسمی نظیر خانواده و دوستان شرکت می‌کنند. به این معنا که روابط انسانی، عاطفی و خویشاوندی در نقاط شهری شدیداً کم رنگ می‌گردد. (شیخی، ۱۳۷۸)

به طور کلی گرایش به سوی شهرهای بزرگ و توسعه شهرنشین، مهاجرت روستائیان، سکونت مهاجرین در اطراف شهر و رشد بالای



اجتماعی فراوانی رنج می‌برند. توسعه انواع جرائم بزرگ و کوچک از جمله ویژگیهای غیرقابل انکار حاشیه‌نشینی تلقی می‌شود. بطوری که بیش از نصف جمعیت بیشتر شهرها در کشورهای در حال توسعه، در شهرک‌های کثیف و در زاغه‌ها زندگی می‌کنند. به عنوان مثال تنها در بمبئی بیش از ۶۰ درصد مردم در آلودگیهای زاغهای و ۷۰۰ هزار نفر دیگر در خیابانها می‌خوابند.

### پیشنهادات و راهکارها

مردمان عصر حاضر از محیط‌های شهری خود خشنود نیستند. برای تغییر وضعیت حاضر و استوار گرداندن آن بر مبنای رضایت بخش می‌باید بدون هرگونه درنگ نسبت به پایان یافتن عوامل و عناصری که باعث اختلال در زندگی شهری شده است، اقدام نمود. یکی از مهمترین پارامترها در این زمینه علاوه بر پیشرفت در زمینه‌های فن آوری و صنعت، افزایش سرگیجه آور جمعیت جهانی است که به شکل بحران جمعیتی ظاهر می‌گردد، و تمایل عمومی این جمعیت به زندگی در شهرهاست که بایستی قبل از هر اقدامی نسبت به چاره‌جویی برای آن راهکارهای مناسب اندیشیده شود. مطمئناً همه آنها که به سوی شهر می‌آیند به خاطر زرق و برق‌های شهری و نقاط تفریحی و... نیست. اکثر قریب به اتفاق آنها در پی شغل و درآمد کافی می‌گردند که کمتر در روستاها و دهکده‌های ما پیدامی‌شود. بدون برنامه ریزی اقتصادی و تأمین حداقلی از رفاه نگهداشت جمعیت در مناطق روستایی خیالی بیش نیست. تا زمانی که این تثبیت جمعیتی انجام نشده است، برنامه ریزی شهر و مدیران شهرها همیشه دنبال‌رو حرکت و رشد سریع جمعیت خواهند بود. در این حالت نیز همچنان شهرها با آلودگی، جرم و جنایت، بیکاری و هزاران مشکل دیگر دست به‌گیریان خواهند بود.

بنابراین برنامه ریزی شهری بدون برنامه ریزی برای توزیع صحیح جمعیت معنا ندارد. هنگامی که این مهم به انجام رسیده و در واقع ساختار کلی آمایش سرزمین شکل گرفت برنامه‌های جزئی و موردی نیز در چارچوب و قالب‌های اصلی برنامه ریزی منشرع خواهد بود. آنگاه می‌توان از طریق کاربرد اصولی که فرهنگ مبتنی بر زندگی را پایه‌گذاری کرده و شهر را به آبادی انسان‌گرا مبدل می‌سازند، مأمنی زیباتر و مناسبتر برای انسان فراهم نمود. این اصول عبارتند از: (یاراحمدی، ۱۳۷۸)

**الف) نظم ارگانیک** - شکلی از نظم که هنگام وجود توازن بین نیازهای اجزا و نیازهای کل آبادی برقرار می‌شود. نظم ارگانیک با ملاحظاتی هنرمندانه نیز سروکار می‌یابد. شهر به عنوان اثر هنری و معماری می‌باید به مفهوم واقعی کلمه زیبا باشد.

**ب) مشارکت مردمی** - با محتوای احترام و مسئولیت متقابل. مشارکت مردمی به معنای حضور به هم رساندن آزادانه، بهره‌وری درست و عادلانه از مکان و داشتن دخالت آزادانه در شکل‌گیری شهر می‌باشد. این مشارکت نوعی بینابین از مسئولیت است که در آن بناهای شهری با نظارت معماران و شهرسازان هم‌شهری، به دست استفاده‌کنندگان کاملاً آگاه طراحی و برپا

داشته می‌شوند.

**ج) شناخت محیطی** - زبانی که بر پایه اندر یافت پدیده شناختی از جهان استوار است. اندر یافتن پدیده شناختی ساکنین شهرها را با شناختی بهتر نسبت به محیط و بالاتر از آن نسبت به خویششن مجهز می‌سازد. بی‌خانگی و بیگانگی دو عارضه ناشی از فقدان شناخت از خویششن هستند.

### منابع

- ۱- آشوری، محمد، مهاجرت و ارتباط آن با جرم، تحقیقی در حوزه قضایی شهرستان کرج، گزارش مؤسسه تحقیقات قضایی و جرم‌شناسی، تهران، ۱۳۷۱.
- ۲- اسکورو، ژیزل، اقلیم و شهر، ترجمه دکتر کاظم جاجرمی، بنیاد مطالعات آسیایی، مشهد، ۱۳۷۲.
- ۳- توسلی، غلام‌عباس، مهاجرت و تحرک جمعیت شهری و مواد مخدر، گزارش تحقیق، ۱۳۶۰.
- ۴- توسلی، غلام‌عباس، بررسی آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و رابطه آن با مشارکت اجتماعی، بخش جامعه‌شناسی شهری و کار و صنعت، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۷۱.
- ۵- ساداتی، آذر، حاشیه‌نشینی و جرم‌زایی در تبریز، ۱۳۶۰.
- ۶- شیخی، محمد تقی، جامعه‌شناسی شهری، انتشارات نورگیتی، ۱۳۷۸.
- ۷- یاراحمدی، امیر، به سوی شهرسازی انسان‌گرا، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری تهران، ۱۳۷۸.
- 8 - Abu-Lughod, Jane (ed), 1996. Third world urbanization Egypt, Methuen.
- 9 - Bradshaw York W. 1987. Urbanization and under development : a Global study of urbanization ,urban ,Bios and Economic Dependency. American sociological Review, 52, pp224, 239.
- 10 - Roberts, Brain R. 1998. comparative perspectives on urbanization, in David street (ed). Hand book of contemporary urban life, san francisco, jessy-bass.
- 11 - Tilly, Charles, 1944. "urbanization, an introduction" An urban world, Boston, little Brown.
- 12 - Gugler, Joseph (ed), 1988. The urbanization of the third world, London, oxford university press.
- 13 - Todare, Micheal, 1979. urbanization in developing nations: Trends, prospects and policies, new york The population council center for policy studies, working paper No.5.
- 14 - United nations, 1985. Urbanization world population Trends, population and Development interrelation and population policies, monitoring report, New york united nations.
- 15 - Lo-Fu-Chen and Yue-man-yeuny "Globalization and the world of Large cities", united nations, university press ,Tokyo, ...2001, p.31.